

عکاسی معاصر، شانسی حضور عکاس

در صحنه... عکاسی را بر نمی‌تابد!

در گفتگویی با استاد علی قلمسیاه

تهیه گفتگو: ارغوان مدرسی

استاد علی قلمسیاه در سال ۱۳۲۳ شمسی در خانواده‌ی دانش‌پژوه، هنرمند و متدین در شهر یزد دیده به جهان گشود. وی وام‌دار هنر جد پدر و مادر خود که هر دو از خطاطان به نام زمان خود بودند، شد. استعداد وی در دوران دبستان در هنر خطاطی کشف شد و مورد تشویق معلمان و اطرافیان قرار گرفت و دیری نگذشت که هنگام ورود به پایه پنجم دبستان با دوربین عکاسی آشنا شد، از آنجا که پدر او فیزیک‌دان برجسته‌ای بود و به کار فنی دوربین عکاسی اشراف کامل داشت اولین مهارت را به وی آموزش داد. قلمسیاه در دوران دبیرستان بین سال‌های سوم تا پنجم بود که به طور جدی به عکاسی علاقه‌مند شد و دوره جدید عکاسی حرفه‌ای خود را از دانشگاه و ورود به نظام وظیفه آغاز کرد. وی اکنون از عکاسان به نام در حوزه‌های اجتماعی، ورزش، طبیعت و حیات‌وحش است.

چیدمان: عکاسی معاصر دارای چه ویژگی‌هایی است و عکاسی معاصر ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

اگر هنر معاصر عکاسی را ۱۵ ساله اخیر یعنی با ورود به قرن ۲۱ و توسعه عکاسی دیجیتال محدود کنیم می‌توانیم بگوییم، عکاس و عکاسی معاصر همراه با تغییرات بسیار عمده‌ای در نوع نگاه و مهارت‌های استفاده از ابزار به‌روز شده و فناوری دیجیتال پیشرفته جهان است.

نگاه معاصر مشابه ترکیب‌بندی‌های دوران کلاسیک نیست، حتی به مهارت‌هایی فنی که قاب شخصی افراد را می‌بندد، نیز خیلی وابسته نیست. عکاسی معاصر به‌گونه‌ای تغییر کرده است که فرصت برای عکاسی و تولید عکس وابسته به شانس حضور عکاس در صحنه یا طبیعت نیست.

علت هم دسترسی‌های سریع به فنون و جلوه‌های ویژه و تولیدات فن‌آوری شده عجیب و غریبی است که انسان امروزی به آن‌ها در همه زمینه‌ها و مکان‌ها دست پیدا کرده است. کارشناسان برجسته عکاسی معاصر اعتقاد دارند سوژه جای خود را از جلوی دوربین به پشت دوربین انتقال داده و در ذهن و نوع تفکر عکاس جای گرفته است.

امکانات و مهارت‌های فنی توسعه بی‌حد و مرزی یافته و می‌یابد، مهارت‌های که در اتاق تاریک در دوران عکاسی با فیلم (آنالوگ) انجام می‌گرفت و نیاز به زمان طولانی و فضای مناسب داشت تا به نتیجه برسد، اکنون در کسری از ثانیه و یا در عرض چند ثانیه در دوربین عکاسی و با استفاده از ابزارهایی که عکاسی را تکمیل می‌کنند مانند فتوشاپ که جلوه‌های ویژه را نیز اعمال می‌کند، با سرعت به نتیجه می‌رسند. وقت زیادی برای عکاس ذخیره می‌شود و کار را پیش می‌برد.

معنایش آن است که عکس هنرمندانه به‌ویژه در زمینه (فاین آرت) Fine Art بدون استفاده از ابزار فتوشاپ و سایر نرم‌افزارها که باعث تغییرات خاص می‌شود، به وجود نمی‌آید. بنابراین عکاس را از پشت دوربین و زحمات تاریکخانه و نگاه از پشت منظره‌یاب دوربین کم و بیش به سمت فن‌آوری‌های نوین که با رایانه‌ها و سایر امکانات انجام می‌شود، برده است. و مهم‌تر آنکه عکاس، عکس مورد نظرش از پیش در ذهن خود می‌سازد!

علاقه نسل جوان عکاس به عکاسی خلاقانه‌ای است که بیشتر به سمت هنرهای زیبا گرایش دارد، نوعی اثر فراواقعی جدید که از خلاقیت ذهنی و استفاده از مهارت‌های کاربردی ابزار به دست می‌آید و هم‌چنین استفاده از ارزش‌ها و امتیازات هنرهای بینابینی.

اما آنچه را که در عکاسی خبری عمومی General news، متمرکز Spot news، زندگی روزمره Life Daily، خبری مردمی People in news، اجتماعی و شهری Social & Urban و مستند Documentary می‌بینیم کماکان شخصیت تاریخی خود را حفظ کرده و چندان امتیاز متفاوتی با عکاسی کلاسیک در این بخش به وجود نیامده است.

از طرفی عکاسی وارد مرحله اقتصادی جدی هم شده است و آنقدر بر شئون زندگی مردم تأثیر گذاشته است که تقریباً مردم بدون عکس نمی‌توانند زندگی کنند و عکس‌های فراوانی پیرامونشان را پوشانده است، مردم به دیدن عکس در هر مکان عادت داده شده‌اند! دیدن هر روزه عکس موجب شده که عکسی که تأثیرگذار باشد روزه‌روز خیلی کمتر دیده می‌شود و انتخاب آن مشکل‌تر می‌گردد، وقتی دامنه ارائه عکس وسیع باشد برای بیننده آن انباشتگی ذهنی پیدا می‌شود و برای اینکه

یک عکس جلب نظر کند باید تأثیرگذاری عمیق و قوی به همراه داشته باشد. این مورد فرصت جدیدی از عکاسی در زمینه عکاسی تبلیغاتی به وجود آورده است. زمانی که نرم‌افزارهای جلوه‌های ویژه نیز به کمک بیایند. عکاس می‌تواند، به عنوان یک عکاس ابردست و خلاق وارد عرصه‌های بی‌کران عکاسی تبلیغاتی شود.

به‌نظر می‌رسد سختی‌هایی که در دوران آنالوگ داشتیم گذشته است و نسل جوان هم هوشیارتر و باهوش‌تر شده‌اند و هم دسترسی‌شان به عکاسی روز دنیا راحت‌تر شده و با مطالعه عکس‌هایی که در دسترس‌شان هست می‌توانند نگاه و اندیشه و ذهنیتی که در قطب‌های عکاسی دنیا وجود دارند را تشخیص بدهند و تفسیر کنند، و به قضاوت در آورند و در نتیجه راه آرمانی عکاسی خودشان را جویا شوند.

چیدمان: چگونه یک عکاس موفق بشویم؟ آیا دوربین عکاسی کافی است؟

اگر کسی دوربین دست گرفت برای اینکه حرفه‌ای بشود باید در تمام زمینه‌های مربوط به ژانر عکاسی مورد علاقه‌اش مطالعه کند و دانش و بینش به روز داشته باشد، بایستی ابتدا دوربین خود را خوب بشناسد، مهارت‌های کاربردی دوربین خود را بداند. وقتی که دوربین در دست او قرار می‌گیرد باید بتواند مهارت‌های فنی‌ایی که یک عکس را می‌سازد به‌طور شایسته‌ای به‌کار برد و بتواند سبک خاص خود را کشف و تعریف کند، اولین عناصری که از لحاظ فنی یک عکس را تعریف می‌کنند می‌بایست حساب شده و معنی‌دار باشد یعنی کسی که عکاسی می‌کند به حسب اتفاق این کار را انجام نمی‌دهد برحسب دانسته‌ها و مهارت‌های هستند که به‌کار گرفته می‌شوند تا اثری در خور، تولید شود.

برای بهره‌برداری جدی از دوربین عکاسی باید چشم‌ها و اذهان با عکاسی جدید دنیا آشنا شوند و عکس‌ها را مانند شعرها به خاطر بسپارد.

عکاسان در هر زمینه بایستی قابلیت‌های مؤلف بودن خودشان را از لحاظ ذهنی و

پایه‌پای عکاسی ورزشی جهان باشد، چون عکاس‌های ورزشی عمدتاً مهارت‌های لازم در رشته‌های ورزشی را کمتر دارند و یا با قواعد فنی آن زمینه ورزشی آشنایی زیادی ندارند، ایشان باید بدانند چه فزاینده‌های زیبایی در هر رشته ورزشی وجود دارد، مثلاً در شنا یا شیرجه چه بخشی جذاب‌تر و مهم‌تر است، همین‌طور در دومیدانی و رشته‌های متعددی که وجود دارد، عکاس ورزشی هم مانند عکاس تبلیغات نیاز به معرفت و شناخت و زیبایی‌شناسی ورزشی دارد. در عکاسی ورزشی لازم است عکاس هم خوب بدود و هم خوب بداند. مطبوعات ورزشی عمده‌ترین تأثیر را در فرهنگ ورزش ما گذاشته‌اند، در فرهنگ و مطبوعات ما برای ورزش در سطح جهانی آن کار نشده است و به همین علت ما نتوانسته‌ایم روی عکاسی آن‌چنان که سزاواریم کار کنیم.



برخی از رسانه‌های ورزشی ما برای پر کردن صفحات‌شان (زمینه اقتصادی) فقط به بازی‌های فوتبال می‌رسند و علاقه ندارند ورزش دومیدانی که مادر ورزش‌هاست را ببینند و عکاسی کنند.

الزاماً عکاس ورزشی نیاز به تمرین، تمرین و تمرین پیوسته دارد رفتن به مسابقه فوتبال یا کشتی و عکاسی کردن او را عکاس ورزشی خیلی ممتاز نمی‌کند. باید بتواند با استفاده از لنزهای زاویه باز و بسته، عکاسی ورزشی را از فاصله نزدیک و دور به‌عنوان کاری جدی و معنی‌دار بپذیرد و انجام دهد. باید قادر باشد عکس‌هایش را در هر شرایطی به دست آورد. از طرف دیگر در کشورمان فقر رفتارهای ورزشی داریم، مسابقات دومیدانی و ژیمناستیک قابل توجهی در کشورمان انجام نمی‌شود که عکاسان ما بتوانند به‌خوبی تمرین کنند.

فکری اثبات کنند، به همین خاطر برای ورود به قابلیت‌های تألیف‌گرایانه، فناوری و ابزار را به عنوان دانش، و نگاه خاص خود را به عنوان بینش توأمان در کنار هم قرار بدهند.

عکس خوب اتفاقی به‌دست نمی‌آید بلکه براساس کار سخت و مطالعه عمیق و اشراف به مفاهیم عکاسی پیشرفته و خلاقیت معنی‌دار عکاس امکان‌پذیر می‌شود.

به‌طور مثال: اگر قرار باشد از یک خودکار عکس تبلیغاتی تهیه شود، عکاس باید اهمیت یک خودکار را در زمینه اقتصاد، فرهنگ و اندیشه و اینکه قرار است در دست چه کسی قرار بگیرد و چه کاربردی دارد: در دست مردم برای نویسنده شدن؟ یا برای هنرمند شدن؟ و یا بچه‌ای که قرار است با آن خط خطی کند؟ یا شخصیتی که حکم سرنوشت‌سازی را امضاء کند؟

به‌طور کلی نگاه گسترده به اینکه یک خودکار به ظاهر ساده و ارزان قیمت در کجا کاربرد دارد چه تعریفی و تأثیری دارد همان اشرافی است که باید عکاس داشته باشد. بنابراین عکاس وقتی وارد زمینه عکاسی تبلیغاتی می‌شود حتماً شخصیت مؤلف دارد. همین‌طور در عکاسی ورزشی، شناخت ورزش و فزاینده‌های آن اهمیت به‌سزایی دارد.

چیدمان: ویژگی‌های یک عکس ورزشی موفق چیست؟ برای عکاسان ورزشی چه توصیه‌هایی دارید؟

اگر شنا ندانیم ممکن است در آب اندک هم غرق شویم و یا به زحمت بیفتیم، اشراف به هر رشته ورزشی و دانش اطلاعات در مورد آن بسیار اهمیت دارد.

بدون آگاهی از حرکت‌شناسی رشته‌های ورزشی نمی‌توان وارد میدان عظیم ورزش شد، در حقیقت بدون رشادت وارد شده‌ایم اگر قرار باشد هر بخش از مسائل پیرامون ما همین قواعد را داشته باشد طبیعی است برای ورود به هر صحنه باید قواعد همان بخش و بینش و آگاهی گسترده‌ای از آن را داشته باشیم و بدون آگاهی نمی‌توانیم عکس برتر و بهتر را تولید کنیم.

عکاسی ورزشی ما اصلاً نتوانسته است



چیدمان: جایگاه و سطح آموزش عکاسی را در مراکز آموزشی و دانشگاهی کشور را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

قطعاً در همه زمینه‌های عکاسی، آموزش می‌تواند تأثیرگذار باشد. نه به حسب ادعای من بلکه به حسب ادعای دانش‌وران و مدیران بخش‌های آموزشی عکاسی در دانشکده‌ها که در تکاپوی این بودند تا در علوم و فنون عکاسی نوآوری کنند چون اعتقاد دارند آنجا با کمبودهای خیلی خیلی جدی از امکانات و دسترسی‌های موفق و مدرن جهان روبه‌رو هستند، مراکز آموزشی عکاسی باید با مراکز عکاسی جهان ارتباط بهتر و قوی‌تر برقرار کنند، اگر ارتباطات معنی‌داری با مراکز فرهنگی پیشرفته عکاسی جهان نداشته باشیم، اگر تبادل دانشجویی استاد را نداشته باشیم،



سطح آموزش موفق، آموزشی است که اطلاعات پیشرفته جهان را در اختیار داشته باشد و آن را پایگاهی برای پرش به آینده بهتر قرار بدهد و اگر ما صرفاً مقلد باشیم، پیشرفت نخواهیم کرد و فقط تقلید کرده‌ایم از آنچه انجام شده است.

لذا ما بایستی آگاهی لازم را در اختیار دانشجویانمان قرار بدهیم و دانشجویانمان هم می‌بایست مطالعاتشان را شخصی کنند ما در ورزش اصطلاحی داریم که می‌گوییم ورزشکار صرفاً در زمان تمرین، همراه مربی کار نکند و می‌گوییم *coaching your self* ورزشکار خودش را تمرین بدهد در بخش عکاسی هم همین، یعنی حتماً یک عده‌ای باید خودشان را *coach* کنند و تمرین بدهند و باید اطلاعات را خودشان کسب کنند و بایستی انگیزه و مهارت لازم را به همراه استادان راهنمای برجسته فرا بگیرند، استادانی که بتوانند آن‌ها را با مقام عکاسی روز جهان آشنا کنند حتی آن‌ها را پیش‌تر ببرند، می‌توان خشنود بود که استادان نسل جوانی هم حضور دارند که دارای مطالعات عمیق‌اند با زبان آشنا هستند و خودشان صاحب تألیف و اثر هستند و در واقع سبک‌های مطرح عکاسی جهان را خوب می‌دانند و با همه اتفاقات انجام شده در عکاسی به ویژه دوران معاصر (قرن ۲۱) آشنا هستند و میل شتاب‌گیرنده‌ای به سمت جلو دارند، ولی تعدادشان برای جامعه بزرگی که علاقه‌مند فراگیری عکاسی‌اند کافی نیست یا دسترسی همه دانشجویان به آن‌ها امکان‌پذیر نیست. باید بهتر مدیریت کنیم تا کسانی که دارای علم روز عکاسی هستند، بتوانند این علم و دانش و بینش را تعمیم دهند و وارد عرصه جدیدتری شوند. ■

اگر دسترسی به نمایشگاه‌های متعدد نداشته باشیم، و اگر دانشجویان ما نتوانند با دانشنامه عکاسی جهان از هر بابت به اضافه آلبوم‌های عکاسان بزرگ جهان آشنا شوند، نمی‌توانند عکاس نامداری شوند. یک فرضیه می‌گویم هر کسی بخواهد شاعر خوبی شود باید چندهزار بیت شعر را از حفظ باشد تا بتواند وارد عرصه شاعری شود. من می‌گویم یک عکاس باید هزاران هزار عکس برتر جهان را از مناسبت‌های مختلف دیده باشد و تحلیل و تفسیر عکاسی را درست شنیده باشد و فلسفه عکاسی را بداند تا عکاس شود. استادان جوان برجسته داریم که با مطالعات فراوان توانسته‌اند با عکاسی روز دنیا آشنا باشند، ولی تعدادشان انگشت‌شمار است. به روزرسانی دانشجویان کاری بس دشوار است و نمی‌توان عکاسان مؤلف را فارغ‌التحصیل کرد مگر اینکه اسباب بزرگی همه آماده شوند.



Patrícia Almeida

1970. Lives and works in Lisbon, Portugal.

She has studied History at Universidade Nova de Lisboa and Photography at Goldsmiths College (University of London). She is interested on documentary photography as a field of research and artistic creation, and has been doing projects on the relationship between people and their environment.

A Canopy of Colorful Umbrellas Spotted in Portugal

This beautiful installation of umbrellas was recently spotted in Águeda, Portugal by photographer Patrícia Almeida. Almost nothing is known about the artist behind the project or its significance, but it's impossible to deny the joy caused by taking a stroll in the shadowy rainbow created by hundreds of parasols suspended over this public walkway.

پاتریشیا آلمیدا

متولد ۱۹۷۰، لیسبون، پرتغال

ترجمه: مریم ابراهیمی

پاتریشیا آلمیدا رشته تاریخ را در دانشگاه لیسبون و عکاسی را در کالج گلداسمیت لندن تحصیل کرده است. او به عکاسی مستند با عنوان پژوهش میدانی و خلاقیت هنری علاقمند است. و پروژه‌هایی را با موضوع، ارتباط بین مردم و محیط پیرامونشان انجام داده است.

سایبان‌هایی از چترهای رنگارنگ کشف شده در پرتغال

اخیراً این چیدمان زیبا از چترها در شهر «آگودا» در پرتغال توسط هنرمند عکاس «پاتریشیا آلمیدا» اجرا شده است. تقریباً هیچ چیز در خصوص هنرمند این پروژه یا اهمیت آن در کنار اثر نیست، اما نمی‌توان لذت ناشی از قدم‌زدن در زیر رنگین‌کمان سایه‌دار ایجاد شده از چترهای آفتابی آویزان شده سراسر پیاده‌رو را متکرر شد.

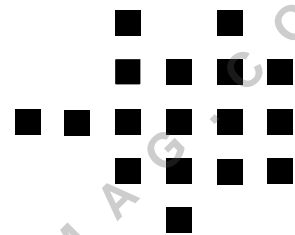
WWW.CHIDEMANMAG.COM



چیدمان جامعه:

تأملی در رویکردهای حاکم بر آزمون‌های ورودی تحصیلات تکمیلی هنر | سیدعلیرضا مسیبوق

پرتال جامع علوم انسانی



WWW.CHIDEMANMAG.COM

WWW.CHIDEMANMAG.COM